**«دیکته» فارسی**

**یغمائی، حبیب**

به دستور فرهنگیان کلماتی ترکیبی چون:

دانش‏آموز،دانش‏نامه،دانش‏خواه،دانش‏دوست،دانش‏پژوه،دانش‏جوی‏ دانش‏اندوز....اگر جدا از یک‏دیگر باشد غلط است،و باید شاگردان مدارس‏ پیوسته و متصّل بنویسند.به این شکل:

دانشاموز،دانشنامه،دانشخواه،دانشدوست،دانشپژوه،دانشجوی،دانشطلب، دانشاندوز...وگرنه در امتحانات مردود شناخته می‏شوند.

و نظیر و نمونهء این‏گونه کلمات در سرتاسر کتاب‏های درسی است از قبیل: نبضسنج،سختپوست،تکسلولی،چینخوردگیها،پایینتر،درختچه،منطقیتر، بیستسالگی،انگشتنگاری،عقبنشینی،کمعمق،آبرفتها،تهنشین...

هم‏آهنگ کردن و یک‏نواخت نوشتن کلمات فارسی از نظر املائی و باصطلاح امروزی«دیکته»،چون دستور و قانونی کلّی ندارد یکی از دشواری‏های خط و زبان فارسی است،و اکنون هم که وزارت فرهنگ در این مهم گامی برداشته،و دستوری داده نه تنها درستی و آسانی کتابت رعایت نه‏شده بل‏که بر دشواری‏ها و پیچیدگی‏ها و ناروائی‏ها افزوده شده است.

کسی منکر نیست که مؤلفان کتاب‏های درسی از فضلا و از علمای کشورند و اختیار دارند تألیف خود را به رسم خطی که معمول است و یا به هرنحو می‏پسندند به‏نویسند،همان‏گونه که نویسندگان روزنامه‏ها و مجله‏ها چنین می‏کنند،امّا تصور نه‏می‏توان کرد این حق را داشته باشند که سلیقه و عقیدهء خود را به اتّکای نیروی‏ شورای عالی فرهنگ به دیگران تحمیل،و فرزندان معصوم این سرزمین را تهدید کنند.

باز،اگر این دستورها به عنوان راه‏نمائی مطرح می‏شد،و جزائی در تخطّی‏ نه‏بود،و معلّم مجتهد بیم سرپیچی نه‏داشت،بردباری آسان می‏نمود،اما راهی را به اشتباه پیمودن و دیگران را بدان راه خواندن و راندن،گناهی است نابخشودنی؛ و راستی،گستاخی و دلیری می‏باید طوق گناهی چنین عظیم را به گردن درافکندن!

\*\*\* در این‏که قواعد کتابت خط فارسی باید مضبوط و یک‏نواخت و هم‏سان گردد هیچ سخن نیست و جملگی برآن‏اند،امّا این مهم را عمر و وزید به پشتی‏بانی‏ شورای عالی فرهنگ-که صلاحیتش مشکوک است-نه می‏توانند تعهّد کرد،شاید اگر مؤسسهء فرهنگستان ایران وجود می‏داشت مرجعی مناسب می‏بود،و فرهنگستان هم‏ قطعا بی‏مطالعه و بی‏مشورت و بی‏تمهید زمینه به این کار درنه می‏شد،مگر این‏که‏ از دانش‏مندان و زبان‏شناسان خودی و جز خودی یاری طلبد،و از معلّمین آزموده و استادان متبحّر راه‏نمائی جوید،و از منابع و ماخذ کتاب‏های اصیل و قدیم‏ مایه گیرد.

\*\*\* به زبان و خطی که در طیّ قرن‏ها،هزارها نویسنده و شاعر و حکیم و مجتهد و خطّاط،هزاران هزار کتاب ورقعه و رساله نوشته‏اند،و ملّت‏های دیگر دران خط و زبان سهیم‏اند،و زبان‏شناسان و دانش‏پژوهان جهان نیز بدان بی‏علاقه نیستند؛ دست‏یازیدن،و به میل و به سلیقهء خود قاعده نهادن،و اجرای آن را فرمان دادن، به بازیی کودکانه بیش نزدیک است تا به اقدامی اساسی و خردمندانه!چه‏گونه‏ می‏توان به راه و روشی که بزرگان پیشین در کتابت برگزیده‏اند بی‏اعتنائی کرد، و آثار کتابتی روزگاران گذشته را-که بدان می‏بالیم-نادیده انگاشت،و بی‏مطالعهء ممتد و بی‏مشورت و هم‏داستانی اهل‏فن،رسم دیرین را درنوردید؟

تهیّه و تنظیم قوانین کتابتی ادبی،از لوایح آزمایشی و موقتی نیست که امروز طرح و فردا اجرا شود،مطالعه و تحقیق و تامل و مشورت و آهستگی و مدّت بسیار می‏خواهد...

\*\*\* هم‏چنان که زبان‏فارسی چه نظم و چه نثر،از آغاز پیدایش تاکنون‏ دگرگونی‏ها و تطوّراتی یافته،و در برخی از اعصار از سادگی به پیچیدگی‏ گرائیده،خط هم که یار و هم‏سفر زبان است از چونین تطّوری برکنار نه‏مانده‏ است.همان‏طور که فرهنگ‏نویس برای یافتن معنی لغتی باید همه کتاب‏های‏ کهنه را تصفّح کند و استقصاء تمام به کاربرد،و مواردی که شاعری استاد آن لغت را در شعر آورده به‏جوید،در تدوین و تنظیم قواعد کتابت هم از سپردن چنین راهی گریز نیست.باید همهء متون قدیم را پیش چشم داشت،و رسم خطهای گوناگون را با یک‏دیگر سنجید،و از ذوق و استعداد و سلیقه و هنر نیز یاری جست،و آن‏گاه از آن‏میان شیوه‏ای را که آسان‏تر و زیباتر و به مطلوب نزدیک‏تر باشد برگزید.

\*\*\* زبان و خط هر دو وسیله‏ای است برای بیان مطلب و مقصود،هرچند این‏ وسیله ساده‏تر و مجرّدتر،و بی‏پیرایه‏تر،و چابک‏تر باشد شخص را به مقصد نزدیک‏تر می‏کند،پس تا می‏توان از دشواری‏ها باید کاست.از آموزگاران کلاس‏های‏ ابتدائی مدارس،و از معلمانی که به نوآموزان خارجی،زبان‏فارسی یاد می‏دهند سؤال کنید که شاگردان‏شان کتابت«نبضسنج»را زودتر و به‏تر یاد می‏گیرند یا«نبض سنج»را،«دانشپرور»یا«دانش‏پرور»را....

کلمهء«تر»نشانهء صفت تفضیلی است و به حکم عقل و منطق کلمه‏ای است مستقل‏ و استوار،و هر محصلی فارسی‏زبان و غیر فارسی‏زبان آن را زود یاد می‏گیرد،و صورت و شکل آن در ضمیرش نقش می‏بندد،آن‏گاه خود با هر صفتی به آسانی‏ ترکیب می‏کند:شیرین،شیرین‏تر؛لطیف،لطیف‏تر؛غنی،غنی‏تر...آخر چرا حکم می‏کنید که باید این‏طور نوشته شود:شیرینتر،لطیفتر،غنیتر...

و آن‏گهی باید اندیشید که بعضی از صفت‏ها کلمه‏ای تازی است و سرهم‏ نوشتن آن با کلمهء فارسی پسندیدهء ذوق سلیم نیست چون:منطقیتر،عقبنشینی، کمعمق...که دستور فرموده‏اند جز به این صورت درست نیست.

\*\*\* برای تصحیح ترجمهء تفسیر طبری که سالی چند است بدان اشتغال دارم، بیش از ده نسخه از کتاب‏خانه‏های دنیا در اختیارم هست که تازه‏ترین آن‏ها در قرن هفتم کتابت شده.در همهء این نسخه‏ها اصالت و استقلال هر کلمه از هرگونه‏ غالبا محفوظ است،یعنی اصل کلی جدا بودن کلمات است از هم.توجه فرمائید چه‏ کلماتی از یک‏دیگر جداست:

ترساان(الف و نون‏جمع)-نهانی‏ها-ستم‏کاران-آن‏جا-آن‏که- بل‏که-روی‏ها است-مه پوشیده-مه کنید-دروغ‏زن-تباه‏کار-تانه‏باشد- تا هم‏چنان‏که بود-آن‏را-نعمت‏تان-شتاب‏زده-نگون‏سار-چندانه- خداام-ام‏شب-(-امشب)-کی است-بزرگ وار-راست‏گر...

\*\*\* نه تنها در این‏گونه موارد،بل در ابداع لغات و ترکیبات هم مولفین محترم‏ کتاب‏های درسی فتواهائی داده‏اند که موجب تشویق اذهان است و به مصلحت‏ زبان و ادب اصیل فارسی نیست مگر این‏که فرهنگستان تشکیل شود و با شرایطی‏ که اشاره شد فتوی دهد که آن‏گاه پذیرفتنی خواهد بود بی‏اکراه و اجبار.